

AET2
ASIAN AND MIDDLE EASTERN STUDIES TRIPOS PART II

Middle Eastern Studies

Tuesday 3 June 2014 09.00 – 12.00

Paper MES 32

Advanced Persian

*Answer **all** questions.*

*Write your number **not** your name on the cover sheet of **each** answer booklet.*

STATIONERY REQUIREMENTS SPECIAL REQUIREMENTS

20 Page Answer Book x 1

None

Rough Work Pad

**You may not start to read the questions
printed on the subsequent pages of this
question paper until instructed that you
may do so by the Invigilator.**

SECTION A

1 Translate the following **unseen** passage into **English** [20 marks]

- ۱ عواطف چگونه ارزیابی می‌شوند؟
- باید بگوییم که توانایی یک قطعه ادبی در تحریک عواطف یک قشر عظیمی از مردم، دلیل خوبی و کارآمد بودن آن قطعه، نیست.
- ۵ معمولاً عواطف مردم، با چیزهایی که از نظر ادبی در سطح بالایی قرار ندارند، تحریک می‌شود. مثل نو بودن موضوع و تازگی داشتن شکل کار. و این تازگی است که گهگاه نظر ما را به قطعه یا کتابی جلب می‌کند و باعث تأثر و یک تکان روحی می‌شود. اما این تأثر و تکان، موقتی و بی‌دوام است. گاه منشأ این تحریک، موضوعی سیاسی یا اقتصادی است که جریان دارد و با فروکش کردن این موضوع، تأثیر آن قطعه ادبی نیز فروکش می‌کند. پس، در جایی که تحریک عاطفهٔ عامهٔ مردم ملاک صحیحی نیست، باید به دنبال ملاک صحیح بگردیم:
- ۱۰ ۱- عاطفه با میزان صحت و اعتدال آن سنجیده می‌شود. منظور از صحت و اعتدال، صحیح بودن اسبابی است که عاطفه با آنها تحریک می‌شود. به گفته «رسکین»: ممکن است حس شگفتی ما از تماشای دکانهای یک خیابان که به طور منظمی در امتداد هم قرار گرفته‌اند، تحریک شود و یا تماشای یک نمایش آتش‌بازی ما را شگفت‌زده کند و به هیجان بیاورد، اما این عاطفه، عاطفه‌ای شعری نیست. چرا که اساس این عاطفه، باطل و جعلی است؛ و در مثالهایی که زده شد، اساساً چیزی که سزاوار شگفتی و اعجاب باشد، وجود ندارد. اما شگفتی از باز و بسته شدن یک غنچه، عاطفه‌ایست شعری.
- ۱۵ ۲- از دیگر معیارهای سنجش عواطف، استعداد حیاتزایی آن است. اگر کتاب یا قطعه‌ای ادبی را به ما بدهند و بعد از مطالعه، از ما بپرسند: «آیا این کتاب حرکتی در شما ایجاد کرد؟»، در صورت مثبت بودن پاسخ ما، می‌توان نتیجه گرفت که آن کتاب یا قطعه ادبی، از ارزش بالایی برخوردار است و هر اندازه این تأثیر و تحریک درونی واضح تر باشد، مقوله خواننده شده، به کمال ادبی نزدیکتر است.
- ۲۰ باید دانست که دستیابی به یک مقیاس عمومی برای سنجش عواطف گوناگون، امری است محال. به طور کلی می‌توان گفت: مقیاس ارزیابی یک قطعه ادبی، قوی بودن احساس و عاطفه‌ای است که در قطعه وجود دارد.
- ۲۵ ۳. از دیگر محک‌هایی که عاطفه با آن سنجیده می‌شود، استمرار و ثبات عاطفه است. و این، ناظر بر دو معنی است:
- اول اینکه عاطفه، در مخاطب اثر، خود را برای مدت زمانی طولانی، باقی بگذارد. همچون قطعه‌ای موسیقی، که شنونده پس از شنیدن، برای مدتی، طنین بعضی از نغمه‌های آن در شنوایی‌اش باقی می‌ماند. دوم اینکه قطعه ادبی باید بر احساسات خواننده یا شنونده تأثیری یکدست و یکجنس و مداوم بگذارد. به عبارت دیگر، در این تأثیرگذاری، وحدت وجود داشته باشد.
- ۳۰

Adapted from Hassan Hosseini, "Anāsor-e tashkildahande-ye adabiyyāt",
<http://www.porsojoo.info/fa/node/72237> (Accessed 25/01/2014).

2 Translate the following **unseen** passage into **English** [20 marks]

۱ **دکتر کاشفی:** من یه آدم سیاسیم. سیاسی، نه سیاست مدار. حتی نه یک آدم حزبی وابسته به چپ و راست، معتدل یا تندرو و بر خلاف تو از یک خانواده مرفه. فامیل من نسل اندر نسل در حکومت دخیل بودن. پدرم هنوز هم در ایران اختناق زده فعلی، مصدر پست مهمیه. روحیه اون با من تفاوت داره. اون میگه ما مردم آسیایی نباید به سیاست کار داشته باشیم. ما باید خدمتگزار دولت ها باشیم و دولت تشکیل شده از رجال. حال رجالی که گاهی مورد تایید مردمن گاهی مورد تایید قدرت ها. پس به هر حال برگزیده مردمند. این حرف های پدرمه که البته من باهانش مخالفم. اون حتی منو در ایران کاندید وزارت میدونه و معتقده توی ایرون با وزارت میشه پادشاهی کرد. حتی اعتقاد داره آدم با حسن نیت میتونه در یک حکومت دست نشانده هم به نوبه خودش خدمتی کرده باشه. ولی من به عنوان یک مخالف برای شاه ایران شناخته شده ام. و به همین دلیل پدرم ظاهراً منو از ارث محروم کرد تا بتونه جان نثاریش را نسبت به اعلیحضرت بیشتر نشون بده. وضع مالیش درخشانه و به من کمک می کنه، به دو جهت. یکی این که عرصه به من تنگ شده. دیگه این که چشم و گوش شاه به عرض مبارک نرسانند ... ولی باطناً نگران منه. خوب هر چی باشه باباس. من تو این دو سال برای مخارج زندگی در دانشکده تدریس می کنم و اوقات دیگه هفته را به دستگیری یک شوق شناس مشغولم، برای یک زندگی بخور و نمیر. حتی حق دیدار و ظنم از من سلب شده. در حقیقت من اجازه ورود به خاک ایرانو ندارم و اگر روزی دل به دریا بزنم، پاچه ام میفته گیر سگهای شاه. رفتار تو و مربیت منو به یاد خودم و پدرم انداخت. مربیت شبیه پدر منه و من شبیه تو. هر طفلی می دونه تو طلا رو برای خودت نمی خواستی، تو برای این مملکت یک ذره آبرو میخوای و من برای مردم یک کم رفاه. حداقل حقوق انسانی. بعد از کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد، مردم هیچ پهلوان قدری رو در صحنه زندگی ندیدن، به همین دلیل همه خواسته ها شونو ریختن تو قالب غلامرضا تختی، جهان چهلوان. طلا و مس به گردن تو برای آنها یکسانه. پس غمی از مدال نقره نداشته باش. تو پا تو از تشک کشتی فراتر گذاشتی. ایران به تختی فکر می کنه، تختی هم به ایران فکر می کنه. ۲۵

جهان پهلوان: دوشنبه مرخصم میکنن. می خوام هرچه زودتر برگردم. شاید تشک و بوسیدم و از کشتی کنار رفتم.

دکتر کاشفی: میری دنبال چه کار؟

جهان پهلوان: باغبونی. از بچگی به گل علاقه داشتم.

Ali Hatami, "jahān pahlevān takhti" in *Majmu'e āsār-e hātami*, Second Volume (Tehran: Nashre markaz 1376/1997), pp. 1262-1263.

(TURN OVER)

SECTION B

3 Write an essay in **Persian** of **about 400 words** on **one** of the following topics [30 marks]

- (a) Compare Asghar Farhadi's "*A separation*" with his "*The Past*".
- (b) Discuss the current status of Iranian art and culture internationally and how you see their future.
- (c) Discuss one of the Persian songs you have listened to recently and Explain why you like it?

END OF PAPER